



از رواج به سبک ریجیتال!

آبان ۱۴۰۲: سند ازدواج الکترونیکی می شود.
آذر ۱۴۰۲: یک زن از شوهرش شکایت کرد. وی گفت متأسفانه سند ازدواجش هک شده است و شوهرش مهریه او را که یک شاخه گل رز و ۲۰۰ سکه بوده است به یک سکه و ۲۰۰ شاخه گل رز تبدیل کرده است.

مرداد ۱۴۰۳: وزارت نیرو از هم وطنان خواست در مصرف برق صرفه جویی بیشتری کنند.

روابط عمومی وزارت نیرو اعلام کرد متأسفانه هنگامی که قرار است یک سند ازدواج الکترونیکی ثبت شود برق ها می رود و تا وقتی مهمان ها می روند هم برق ها نمی آید ولی اگر مردم صرفه جویی کنند هر جا دو کیلوتر عاشق باشند می توانند با سند ازدواج الکترونیکی به یکدیگر برسند. هر چراغ اضافه که خاموش شود، یک چراغ زندگی روشن می شود.

مهر ۱۴۰۳: مردی که به محضر رفته بود تا سند ماشین بزند، بر اثر اختلالاتی که در شبکه های اینترنتی و رایانه ای پیش آمده بود به پرداخت مهریه صد سکه ای محکوم شد. وی با اینکه گفته بود مجرد است، به او گفته شد چون مهریه عندالمطالبه بوده است باید آن را همین الان بپردازد و گر نه او هم به جمع پرشور زندانیان مهریه اضافه خواهد شد.



زمین خواری با فلفل

مهر ۱۴۰۲: تسنیم: وزیر راه و شهرسازی گفت: تا پایان سال یک میلیون قطعه زمین به مردم واگذار می شود.

دی ۱۴۰۲: یکی از مسئولان گفت: قطعاتی که قرار شده به مردم واگذار شود، جایشان امن است و برای اینکه زمین خواران نتوانند این زمین ها را بخورند تدابیر خاصی در نظر گرفتیم. وی در پاسخ به این سؤال که تدبیر شما چیست؟ گفت: در تمام این زمین ها کشت فلفل تند را شروع می کنیم تا اگر زمین خواری خواست زمین بخورد، زبان و دهانش بسوزد.

دی ۱۴۰۳: یک مسئول گفت با اینکه تمام این زمین ها را فلفل کاشته بودیم، چون زمین خواران سرما خورده بودند و مزه چیزی را نمی فهمیدند، زمین ها را خوردند. البته باز هم مردم نگران نباشند. بار ایزنی هایی که با چند کشور مختلف انجام دادیم، به زودی چند هزار قطعه زمین از خارج کشور وارد می کنیم و بین متقاضیان توزیع می کنیم.

دی ۱۵۰۳: یکی از مسئولان گفت خوشبختانه وعده یک میلیون زمین تحقق پیدا کرد و تمام آن ها هم اکنون در زمین هایی به طول حدودا دو و عرض یک و عمق دو متر ساکن هستند. وی هم چنین ابراز امیدواری کرد که روح آن ها قرین آرامش باشد.



سرما بخور، غصه نخور

عضو شورای عالی داروخانه های ایران گفته «نسخه سرما خوردگی باید زیر ۱۰۰ هزار تومان باشد. گاهی دیده شده یک نسخه برای سرما خوردگی ۴۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار تومان است که چنین چیزی قابل قبول نیست.» با همین یک جمله، حساب خیلی چیزها دستمان می آید. مثلا از این به بعد، تا دو قطره آبریزش بینی داشتید و نیمچه سرفه ای هم کردید، مراقب باشید انواع و اقسام برچسب های سوبه های جدید کرونا را به شما نچسبانند. اینجا گفته نشده کرونا. شما زمانی می توانید شکایت کنید که سرما خورده باشید، ولی خب چند سالی می شود کسی سرما نمی خورد. بالاخره هر هفته یک کرونای جدید می آید. دکتر هم به بهانه کرونا یک نسخه چهارصد پانصد تومانی تو پاچه تان می کند. بعد می بینید در حالی که سرما خوردگی تان کیک بوده، ولی نسخه تون خیلی واگهی است. آنجا دیگر نمی شود کاری کرد. باید موجودی کارتان هم واقعی باشد!

جدا از این، حالا که نرخ یک سرما خوردگی ساده درآمد، دیگر نمی صرف آدم این همه پول بدهد برود لباس گرم بخرد. مریض شوی نهایتا می شود صد تومان. ولی الان یک کاپشن یا پالتوی خوب چند ده برابر این است. خب، شما اگر توی زمستان خیلی نازک نارنجی باشید و با هر بادی هم سرما بخورید، آخرش پنج بار سرما می خورید و در کل می شود ۵۰۰ تومان ناقابل. می توانید بقیه اش را بگذارید جیبتان برای سرما خوردن های سال بعد! این لباس خریدن هم تهاجم فرهنگی است و گر نه دیدید چه جوری سرما خوردن می ارزید به گرم شدن؟! خواستید خیلی لاج باشید و بریزو پاش کنید، کمی هم شلغم بگیرید. عمرا همان ۵۰۰ هم از جیبتان برود. از دستتان هم در رفت و سرما بخورید، غصه نخورید. شما از خیلی ها جلوترید. بشتابید! راه حل های اقتصادی برای در امان ماندن از نسخه های هنگفت و حتی پس انداز و سرمایه گذاری با سود حاصل از سالم ماندن و سرما نخوردن، فقط در این ستون!



صفحه ۲
۶ آبان ۱۴۰۲
شماره ۸۵

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

بدرقه معاون اول رئیس جمهور برای سفر به قزیزستان



۱ قربون دستت، یک کم قرمه سبزی از دیروز تو یخچاله، مراقب باش بچه ها نخورن تا من برمی گردم.

در حاشیه حضور هیئت دولت در جمع خبرنگاران



۱ بیا امروز ناهار نوبت تونه
۲ الو! دوتا پیرونی ویه رست بیف یک میلیون؟ چه خبره؟ مرد حسابی! مگه داری به وزیر قیمت می دی؟ سر گنج نشستیم مگه؟

تجلیل از مدال آوران بازی های آسیایی در شورای شهر تهران



۱ بچه ها بد به دلتون راه ندین. حالا حواله خودرو نه، ولی مطمئنم به موتور چیزی حتما بهمون می دن.

۲ یه سرویس خیار خوری تقدیم به قهرمان طلایی کشورمون... به افتخار شون به کف مرتب!

کلنگ زنی مسکن هنرمندان



۱ یک کم زیادی پرت نیست؟ من باشم خوف می کنم پیام اینجا زندگی کنم.

۲ همین جاها زندگی می کنن که تپش از زندگی شون هیچکاک می سازن.